

٢٥



قرار داده است، کاملاً بی اساس و جعلی است. هیچ کدام از دو دولت عراق و ایران در زمان حمله، فعالیت های نظامی در منطقه را گزارشی ندادند. همینطور، هیچکدام از رسانه های ایرانی انجام چنین حمله ای را منعکس نمودند.^(۷)

جمهوری اسلامی ایران پیگیری ها و تلاش ها جهت القای حقوق خود در مجامع و نهادهای بین المللی ذی صلاح را به عمل آورد. اما نهایتاً نارسایی های حقوق بین الملل

حاکم بر تعرض ناپذیری نیروگاه های هسته ای و برخوردهای غیرحقوقی و غیربی طرفانه مجامع و نهادهای یاد شده با موضوع مانع از محکومیت دولت عراق گردید. علیرغم اینکه بیش از پنج دهه از فعالیت تأسیسات هسته ای در جهان سپری می شود، هنوز مقررات بین المللی جامعی راجع به مصونیت و تعرض ناپذیری این تأسیسات شکل نگرفته است و این واقعیتی است که همه دولت ها باید اهتمام بیشتری در رفع آن داشته باشد. مقاله حاضر در قالب سه مبحث موضوع را مورد بررسی و ارزیابی حقوقی قرار داده و پیشنهاداتی را با هدف رفع نگرانی هایی ناشی از حملات احتمالی به تأسیسات هسته ای به طور کلی و تأسیسات هسته ای کشور به طور خاص ارائه نموده است.

مبحث اول) حقوق بین الملل حاکم بر ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته ای

خلاء ها و نارسایی هایی حقوق بین الملل موجود حاکم بر ممنوعیت حمله مسلحانه و نظامی به تأسیسات هسته ای، از جمله اسباب محکوم نشدن دولت عراق به جهت حملات موشکی و نظامی به نیروگاه هسته ای بوشهر بود. برای اینکه خلاء ها و نارسایی های این

حقوق به طور دقیق مشخص شود، مصونیت و تعرض ناپذیری تأسیسات هسته ای در دو شرایط صلح و جنگ مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتار اول) ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته ای در زمان صلح

منظور از زمان صلح، شرایطی است که کشورها در وضعیت تخاصم و جنگ قرار ندارند. آیا دولت ها در چنین شرایطی تعهدی به عدم حمله نظامی به تأسیسات هسته ای یکدیگر دارند؟

۱) تعهد به عدم حمله مسلحانه و نظامی به تأسیسات هسته ای

در زمان وقوع حملات نظامی و موشکی عراق به نیروگاه اتمی بوشهر، حقوق بین الملل تعهد مشخص و صریحی مبنی بر ممنوعیت حمله مسلحانه دولت ها به تأسیسات هسته ای پیش بینی ننموده بود. با این حال، یک سلسله قطعنامه هایی در چارچوب سازمان ملل متحد و آژانس بین المللی انرژی اتمی در برخورد با حمله نظامی اسرائیل به مرکز هسته ای عراق تصویب شده بود که از قابلیت استناد به طور کلی نیز برخوردار بودند. ارزش حقوقی این قطعنامه ها یکسان نمی باشد و

خلع سلاح هسته ای کنفرانس بازنگری و تمدید معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای اشعار داشت که حمله به تأسیسات هسته ای صلح آمیز یا تهدید به حمله علیه آنها ایمنی هسته ای را به مخاطره انداخته و نگرانی های جدی را در خصوص اعمال حقوق بین الملل در زمینه استفاده از زور در چنین مواردی به وجود خواهد آورد.^(۲) با اینکه مفاد این سند در کنفرانس های بازنگری بعدی معاهده تأیید و بر لزوم الزامات بین المللی جهان شمول در زمینه ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته ای تأکید شد، اما تاکنون الزامات مورد نظر محقق نگردیده است.

خلاءهای موجود در حقوق بین الملل حاکم بر ممنوعیت حمله مسلحانه به تأسیسات هسته ای، از جمله اسباب محکوم نشدن عراق به جهت حملات نظامی به نیروگاه هسته ای بوشهر بود

(۲) ممنوعیت توسل به زور علیه تمامیت ارضی دولت ها
هر چند که حقوق بین الملل موجود در زمان حملات نظامی عراق به نیروگاه اتمی بوشهر فاقد مقررات مشخص در زمینه ممنوعیت حمله مسلحانه به تأسیسات هسته ای در شرایط صلح بوده است. با این وجود،

مقررات عام حقوق بین الملل در خصوص ممنوعیت تهدید یا توسل به زور علیه کشورها اطلاق داشته و ممنوعیت حمله علیه تأسیسات هسته ای را نیز شامل می شد. در مورد ممنوعیت توسل به زور و تهدید توسل به آن بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد اشعار داشته است: «تمامی اعضا در روابط بین المللی خود باید از توسل به زور یا تهدید توسل به آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر یک از دولت ها یا به هر روشی دیگری که مغایر با اهداف ملل متحد است امتناع نمایند.» به طوری که پیداست بند فوق ممنوعیت مطلق توسل به زور علیه کشورها را پیش بینی نموده که این می تواند ممنوعیت توسل به زور علیه تأسیسات هسته ای کشورها

مقررات آنها به تفصیل در مبحث دوم مورد بررسی قرار گرفته است. علیرغم اینکه از زمان توسعه تأسیسات هسته ای در جهان ضرورت انعقاد معاهده بین المللی الزام آور مبنی بر ممنوعیت حملات نظامی و مسلحانه در شرایط صلح و جنگ مورد تأکید قرار گرفته، با این وجود تاکنون در این زمینه پیشرفت اندکی حاصل شده است. در وضعیت فعلی، ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته ای صرفاً در بعد دو جانبه و منطقه ای مورد توجه معاهدات بین المللی قرار گرفته است.

۱-۱) سطح دو جانبه

در این زمینه می توان به موافقت نامه ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ بین هند و پاکستان اشاره کرد که به موجب آن دولتین مذکور توافق نموده اند از هرگونه اقدام، ترغیب یا مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم که هدف آن نابودی یا ایراد خسارت به تأسیسات هسته ای در قلمرو یکدیگر است امتناع نمایند. این موافقت نامه، طرفین را ملزم نموده است که در اول ژانویه هر سال موقعیت جغرافیایی تأسیسات هسته ای خود و تغییرات بعدی آنها را به یکدیگر اطلاع دهند.^(۳) در حال حاضر، موافقت نامه ۱۹۸۸ هند و پاکستان تنها سند الزام آور بین المللی دو جانبه در زمینه ممنوعیت حملات نظامی و مسلحانه علیه تأسیسات هسته ای محسوب می شود.

۱-۲) سطح منطقه ای

معاهده ایجاد مناطق عاری از سلاح های هسته ای در آفریقا تنها سند الزام آور منطقه ای است که در مقررات آن ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته ای پیش بینی شده است. به موجب این معاهده، که به معاهده پلیندا با نیز مشهور است، دولت های عضو ملزم شده اند که از حمله مسلحانه به تأسیسات هسته ای در قاره آفریقا امتناع نموده و دیگران را برای انجام چنین حملاتی ترغیب یا کمک ننمایند.^(۴) این معاهده تاکنون (بهار ۱۳۸۸) به تصویب ۲۶ دولت رسیده و در صورت تصویب ۲ دولت دیگر، اجرایی خواهد شد.^(۵) در سال ۱۹۹۵، سند اصول و اهداف منع گسترش و

موافقت نامه های جداگانه ای در زمان جنگ منعقد می کردند تا حمایت های خاصی را برای تأسیساتی که ارتباطی با عملیات نظامی ندارند فراهم آورند.

در کنفرانس های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲، پیش نویس یاد شده صلیب سرخ چندان با استقبال دولت ها مواجه نشد؛ زیرا اکثریت دولت ها امکان انعقاد موافقت نامه در زمان جنگ برای حمایت از تأسیسات را عملی نمی دانستند. در کنفرانس های ۷-۱۹۷۴ (که مسئولیت تدوین و نهایی نمودن پروتکل های ضمیمه کنوانسیون های چهارگانه ژنو را بر عهده داشتند) کمیته صلیب سرخ، پیش نویس دیگری را ارائه داد. به موجب پیش نویس جدید، در زمان مخاصمه تأسیسات هسته ای در تمام اوضاع و احوال می بایست حمایت می شدند و متخصصین ملزم می گردیدند از قرار دادن هر نوع هدف نظامی در مجاورت چنین تأسیساتی خودداری نمایند. کمیته کاری مسئول بررسی این پیش نویس، بعد از بررسی و مباحث طولانی نهایتاً با تغییراتی مقررات آن را در قالب ماده ۵۶ پروتکل الحاقی شماره ۱ (مربوط به مخاصمات مسلحانه بین المللی) پذیرفت.^(۳) و این مصوبه کمیته کاری توسط دولت های شرکت کننده در کنفرانس دیپلماتیک ژنو به تصویب رسید.

ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون های چهارگانه ژنو در مورد امنیت و تعرض ناپذیری تأسیسات هسته ای در زمان جنگ، مقررات ذیل را پیش بینی نموده است:

۱) ساختمان ها یا تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک یعنی سدها، آب بندها و نیروگاههای هسته ای، حتی اگر هدف نظامی نیز باشند، نباید هدف حمله قرار گیرند اگر چنانچه حمله به آنها رها شدن نیروهای خطرناک و متعاقباً ورود صدمات شدید بر سکنه غیر نظامی را در پی داشته باشد، اهداف نظامی دیگری که در مجاورت این ساختمان ها و تأسیسات واقع شده است نیز نباید هدف حمله واقع شود.

۲) حمایت خاصی در برابر حمله که در بند ۱ پیش بینی شده است در موارد ذیل خاتمه خواهد یافت:

الف) اگر نیروگاه هسته ای به طور منظم برق مورد نیاز برای پشتیبانی جدی و مستقیم از عملیات نظامی را

را نیز شامل شود. شورای امنیت سازمان ملل، مجمع عمومی این سازمان^(۴) و آژانس بین المللی انرژی اتمی^(۵) در قطعنامه هایی که علیه محکومیت اسرائیل در حمله به تأسیسات هسته ای اوزیراک عراق در سال ۱۹۸۱ تصویب نمودند، حمله اسرائیل به تأسیسات یاد شده را نافض بند ۴ ماده ۲ منشور قلمداد کردند. قطعنامه تعریف تجاوز مجمع عمومی سازمان ملل نیز اشعار داشته است که حملات موشکی و نظامی یک کشور علیه کشور دیگر از مصادیق تجاوز علیه دولت ها تلقی می شود^(۶) که مطابق مقررات فصل ۷ منشور مستلزم اقدامات تنبیهی شورای امنیت می باشد.

گفتار دوم) ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته ای در زمان مخاصمات مسلحانه

برخلاف زمان صلح، حقوق بین الملل در زمان جنگ و مخاصمه، ممنوعیت ها و محدودیت هایی مشخصی را در مورد حمله به تأسیسات هسته ای پیش بینی نموده است. ضرورت تدوین و

تصویب مقررات الزام آور بین المللی در این زمینه در سال ۱۹۵۶ در دستور کار کمیته بین المللی صلیب سرخ قرار گرفت. کمیته در ضمن پیش نویس مقرراتی که برای محدودسازی خطراتی که جمعیت غیر نظامی در زمان جنگ را تهدید می کند ماده ای را (در آن زمان ماده ۱۷) مبنی بر حمایت خاص از تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک گنجاند و تأسیسات هسته ای را (البته در تغییرات بعدی) از جمله تأسیسات یاد شده قلمداد کرد.^(۷) براساس این پیش نویس، دولت ها ملزم بودند که از طریق انعقاد موافقت نامه های خاص در زمان صلح، مصونیت های کلی را در زمان جنگ به تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک اعطاء نمایند. به علاوه، دولت ها باید

رفع خلاء های حقوقی
ممنوعیت حمله به تأسیسات
هسته ای تا حدودی می تواند
بر خوردهای سیاسی و دوگانه
مجامع بین المللی در قبال
حمله به تأسیسات هسته ای
کشورها را محدود نماید

که در ماده ۱۶ ضمیمه یک این پروتکل مشخص شده است، علامت گذاری نمایند. فقدان چنین علامتی به هیچ وجه طرف های مخاصمه را از تعهداتی که به موجب این ماده بر عهده گرفته اند، معاف نمی کند.

ماده ۱۵ پروتکل دوم الحاقی به کنواسیون های ژنو نیز، با عبارات کوتاه تری تعرض ناپذیری تأسیسات هسته ای در جریان جنگ های غیر بین المللی را به شرح ذیل مقرر داشته است:

«ساختمان ها یا تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک یعنی ... نیروگاههای هسته ای، حتی اگر اهداف نظامی باشند، نباید هدف حمله واقع شوند چنانچه چنین حمله ای رها شدن نیروهای خطرناک و متعاقب آن وارد آمدن خسارات جدی به جمعیت غیرنظامی را در پی داشته باشد.»

در وضعیت فعلی، پروتکل های ژنو تنها منبع بین المللی الزام آور در زمینه حمایت از تأسیسات هسته ای در زمان مخاصمات مسلحانه محسوب می شوند. در زمان حملات نظامی عراق به نیروگاه بوشهر، ایران عضو این پروتکل ها نبوده و هنوز هم به عضویت آنها درنیامده است. هر چند که پروتکل های ژنو حمایت های خاصی را برای تأسیسات هسته ای در زمان جنگ و درگیری های مسلحانه پیش بینی نموده اند، با این وجود، نارسایی و خلاء های موجود در این پروتکل ها مانع از آن شد که استنادات جمهوری اسلامی ایران به مفاد آنها ثمره ای در محکوم سازی دولت عراق در حمله به نیروگاه اتمی بوشهر در پی داشته باشد. برای اینکه این خلاء ها و نارسایی ها به طور دقیق مشخص شود مقررات مواد فوق الذکر قدری بیشتر مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد:

مشروط بودن ممنوعیت حمله: پروتکل های فوق، ممنوعیت حمله نظامی به تأسیسات هسته ای در زمان جنگ و درگیری های مسلحانه را به طور مطلق پیش بینی ننموده اند و حملات به آنها یا اهداف نظامی در مجاورت آنها در صورتی ممنوع شده است که حملات موجب رها شدن نیروی خطرناک (مواد رادیو اکتیو) گردیده و در نتیجه زیان های جدی بر جمعیت غیرنظامی وارد آید. مفهوم مخالف عبارت فوق اینست

فراهم آورد و اگر چنین حمله ای تنها راه ممکن برای خاتمه دادن به چنین پشتیبانی ای باشد؛

ب) اگر دیگر اهداف نظامی که در مجاورت این ساختمان ها و تأسیسات واقع شده اند به طور منظم جهت پشتیبانی از عملیات نظامی مورد استفاده مواقع شوند و اگر چنین حمله ای تنها راه ممکن برای پایان دادن به چنین پشتیبانی ای باشد.

۳) در تمام موارد، جمعیت و افراد غیرنظامی مشمول حمایت های اعطای شده حقوق بین الملل، از جمله حمایت های پیش بینی شده در ماده ۵۷ برخوردار خواهند بود. اگر حمایت ها پایان یابد و هر کدام از ساختمان ها، تأسیسات یا اهداف نظامی اشاره شده در بند ۱ اهداف حمله واقع شوند، باید تمام احتیاطات ممکن جهت جلوگیری از رها شدن نیروهای خطرناک به عمل آید.

۴) اقدامات تلافی جویانه علیه هر کدام از ساختمان ها، تأسیسات یا اهداف نظامی ذکر شده در بند ۱ ممنوع می باشد.

۵) طرفین مخاصمه تلاش خواهند نمود تا از قرار دادن هر نوع اهداف نظامی در مجاورت ساختمان ها یا تأسیسات اشاره شده در بند ۱ امتناع نمایند. با این وجود ایجاد تأسیسات صرفاً جهت دفاع ساختمان ها و تأسیسات مورد حمایت در برابر حمله، مجاز بوده و نباید هدف حمله واقع شوند، مشروط بر اینکه در مخاصمات از آنها جز به عنوان اقدامات دفاعی برای واکنش به حملات به ساختمان ها و تأسیسات استفاده نشده و تسلیحات آنها محدود به سلاح هایی باشد که صرفاً توانایی دفع اقدام خصمانه علیه ساختمان ها و تأسیسات مورد حمایت را داشته باشد.

۶) از طرف های معظم متعاقد و طرف های مخاصمه موکداً خواسته می شود که بین خود موافقت نامه های دیگری را جهت تأمین حمایت بیشتر از تأسیسات دارای نیروی خطرناک منعقد نمایند.

۷) به منظور تسهیل شناسایی تأسیسات مورد حمایت این ماده، طرف های مخاصمه می توانند آنها را با علامت های مخصوصی متشکل از ۳ دایره به رنگ نارنجی که در یک محور واقع شده اند، به همان نحوی

هسته ای قبل از راه اندازی نیروگاه به آن وارد شده است. نیروگاه اتمی بوشهر فعلی مصداق بارز چنین وضعیتی است که در عین حال که راه اندازی نشده و نیروگاه در حال کار محسوب نمی شود، سوخت هسته ای به آن وارد گردیده است. بدیهی است که حمله به نیروگاه های هسته ای که چنین وضعیتی را دارند همان خطرات حمله به نیروگاه های هسته ای فعال را خواهند داشت و تسری نیافتن حمایت های یاد شده به چنین نیروگاه هایی را باید از حلاء هایی پروتکل های ۱۹۷۷ قلمداد کرد.

امکان لغو ممنوعیت حمله: ممنوعیت حمله به نیروگاه های هسته ای در زمان جنگ و درگیری های مسلحانه تا آنجایی است که با اصل ضرورت های نظامی برخورد نداشته باشد، به موجب پروتکل اول، اگر نیروگاه هسته ای به منبع منظم تأمین برق مورد نیاز عملیات نظامی تبدیل شود و حمله به آن تنها راه قطع پشتیبانی از عملیات نظامی باشد، مصونیت و تعرض ناپذیری نیروگاه مورد نظر لغو و حمله به آن مجاز خواهد بود. هرچند که پروتکل یاد شده تصریح کرده است که در صورت حمله به نیروگاه هسته ای پس از لغو مصونیت آن تمام احتیاطات ممکن باید انجام پذیرد تا از رها شدن مواد رادیواکتیو جلوگیری به عمل آید، اما جواز حمله به نیروگاه هسته ای در چنین شرایطی دامنه مصونیت و تعرض ناپذیری آنها را محدود می سازد.

مبحث دوم) رویه سازمان های بین المللی در برخورد با موضوع حمله به نیروگاه های هسته ای

در کنار نارسایی و حلاء های حقوق بین الملل حاکم بر تعرض ناپذیری نیروگاه های هسته ای، برخورد تبعیض آمیز نهادها و سازمان های بین المللی ذی ربط با موضوع حمله دولت عراق به نیروگاه اتمی بوشهر عامل دیگری بود که مانع از محکومیت این دولت گردید. برای اینکه چگونگی این برخورد دوگانه بهتر و دقیق تر روشن شود، در این مبحث برخورد و واکنش سازمان ملل متحد و آژانس بین المللی انرژی اتمی نسبت به

که حملات به تأسیسات هسته ای که خسارت جدی به افراد و جمعیت غیرنظامی را در پی نداشته باشد منع نگردیده است. خسارات مورد نظر پروتکل، خسارات جدی است و لذا حمله ای که موجب خسارت جدی به جمعیت غیرنظامی نشود ممنوع نمی باشد.^(۱۳) همین طور، ممنوعیت حمله ای پیش بینی شده در پروتکل ها اساساً برای پیشگیری زیان جدی به جمعیت غیرنظامی است و چنانچه زیان جدی به جمعیت غیرنظامی وارد نیاید یا زیان به جمعیت نظامی وارد شود، علی الظاهر طرفین تخاصم تعهدی به عدم حمله به تأسیسات هسته ای نخواهند داشت.

جامع نبودن مصادیق تأسیسات هسته ای: پروتکل های ۱۹۷۷ صرفاً ممنوعیت حمله به نیروگاه های هسته ای را پیش بینی نموده اند و سایر تأسیسات هسته ای از قبیل راکتورهای تحقیقاتی هسته ای، تأسیسات غنی سازی و تولید سوخت هسته ای از شمول مقررات آنها خارج مانده اند.^(۱۴) عدم اعمال ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته ای غیر از نیروگاه های هسته ای با فلسفه پیش بینی ممنوعیت های فوق سازگار نمی باشد. علی الظاهر هدف تدوین کنندگان پروتکل ها، پیشگیری از ورود زیان های هسته ای و رادیواکتیو به جمعیت غیرنظامی بوده است و با محدود شدن ممنوعیت حمله به نیروگاه های هسته ای این هدف به طور کامل محقق نمی شود. زیرا حمله به دیگر تأسیسات هسته ای نیز می تواند رها شدن مواد رادیواکتیو و در نتیجه ورود زیان های جدی به جمعیت و افراد غیرنظامی را در پی داشته باشد.

همین طور، نیروگاه های هسته ای مورد نظر پروتکل ها، نیروگاه های فعال است و نیروگاه های هسته ای در حال ساخت، مشمول حمایت ها (ممنوعیت حمله) نمی شوند. هرچند که اساساً در حمله به نیروگاه های فعال است که خطر رها شدن مواد رادیواکتیو و در نتیجه ورود زیان مطرح می شود و در نیروگاه های در حال ساختی که هنوز سوخت هسته ای در آن کار گذاشته نشده است، خطر نشست مواد رادیواکتیو و ورود زیان وجود ندارد اما وضعیت هایی می تواند وجود داشته باشد که در آن مواد یا سوخت

حمله رژیم اسرائیل به راکتور تحقیقاتی عراق در سال ۱۹۸۱ (اندکی قبل از حملات عراق به نیروگاه اتمی بوشهر) مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

گفتار اول) سازمان ملل متحد

در ۷ ژوئن سال ۱۹۸۱ هواپیماهای جنگی اسرائیل راکتور تحقیقاتی ۴۰ مگاواتی عراق در منطقه تموز یا اوزیراک را بمباران کردند. این حمله، اولین حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای در جهان محسوب می‌شد.^(۱۵) اسرائیل در توجیه حمله خود به دفاع مشروع پیشگیرانه استناد نمود و اعلام کرد که مرکز اوزیراک محل تلاش‌های عراق برای ساخت بمب اتم و نهایتاً کاربرد آنها علیه آن کشور بوده است.^(۱۶) در نتیجه این حمله راکتور متحمل خسارت شد و ۱۰ عراقی و ۱ فرانسوی مستقر در محل راکتور کشته شدند. مرکز اوزیراک تحت پوشش پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشت. سازمان ملل نسبت به این حمله واکنش نشان داد و ارکان سیاسی آن (شورای امنیت و مجمع عمومی) حملات اسرائیل را محکوم کردند.

۱) شورای امنیت

شورای امنیت پس از ۱۰ دور مذاکره نهایتاً قطعنامه‌ای را به اتفاق آرا (قطعنامه شماره ۴۸۷) در ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ (۱۲ روز پس از حادثه) تصویب کرد. در این قطعنامه، شورای امنیت پس از تأیید عضویت عراق و عدم عضویت اسرائیل در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از حمله پیشدستانه اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق در ۷ ژوئن ۱۹۸۱ ابراز نگرانی نموده و اعلام کرد که چنین حمله‌ای می‌تواند وضعیت منطقه را وخیم‌تر ساخته و پیامدهای نامطلوبی بر منافع حیاتی دولت‌ها در پی داشته باشد. همین‌طور شوراپس از بیان این که به موجب بند ۴ ماده ۲ منشور، اعضای ملل متحد متعهد شده‌اند از هرگونه توسل به زور یا تهدید توسل به زور در روابط بین‌الملل امتناع نمایند، قویاً حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق را محکوم کرده و آن را ناقض منشور ملل دانست. شورا توسل به چنین حملاتی را خطر جدی علیه کل نظام پادمان‌های آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی قلمداد نموده و از اسرائیل خواست از توسل به این گونه حملات در آینده امتناع نماید. همین‌طور شورا حق حاکمه و غیرقابل سلب عراق و دیگر دولت‌ها به ویژه کشورهای در حال توسعه را مبنی بر ایجاد برنامه‌های توسعه فنی و هسته‌ای صلح‌آمیز را به طور کامل شناسایی نمود و از اسرائیل مصرانه خواست که تأسیسات هسته‌ای خود را تحت نظارت پادمان آژانس قرار دهد. در خاتمه شورا حق عراق را برای دریافت غرامت مناسب بابت خسارات وارده به تأسیسات تصدیق نمود.^(۱۷)

در ارزیابی برخورد شورای امنیت با حمله اسرائیل به مرکز تحقیقات هسته‌ای اوزیراک، سرعت واکنش شورا و اتخاذ تصمیم آن در مدت زمان کوتاه باید مورد لحاظ قرار گیرد. با اینکه در این قضیه اسرائیل مهمترین هم‌پیمان ایالات متحده در منطقه بود، اما دولت اخیر از حق وتوی خود استفاده نکرد و مانع تصویب قطعنامه نشد. درمباحث آتی ملاحظه خواهیم

در قضیه حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر، همه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط، با ترفندهای مختلف مانع از دادخواهی ایران در عرصه بین‌المللی شدند

کرد که در قضایای مشابه (حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر) شورا اساساً واکنشی نشان نداد و حتی موضوع را در دستور کار خود نیز قرار نداد.

۲) مجمع عمومی

مجمع عمومی، موضوع را از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ در دستور کار سالانه خود قرار داد و شش قطعنامه راجع به آن تصویب نمود.^(۱۸) در قطعنامه ۳۶/۲۷ مصوب ۱۱ نوامبر ۱۹۸۱ مجمع عمل اسرائیل را تجاوز مسلحانه آن رژیم علیه تأسیسات هسته‌ای عراق قلمداد کرده و متضمن پیامدهای شدید بر نظام بین‌المللی کاربرد صلح‌آمیز انرژی اتمی، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و صلح و

را در ارتباط با آن صادر کرد. مجمع در آخرین قطعنامه خود به تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹۸۶ (قطعنامه شماره ۴۷/۱۲) ضمن تأیید قطعنامه های قبلی، از کنفرانس خلع سلاح خواست که به مذاکرات خود با هدف حصول به انعقاد موافقت نامه ای راجع به ممنوعیت حملات نظامی به تأسیسات هسته ای ادامه دهد. در این ارتباط، کنفرانس یاد شده تاکنون به نتیجه نرسیده است.

گفتار دوم) آژانس بین المللی انرژی اتمی

آژانس بین المللی انرژی اتمی اولین سازمان تخصصی بین المللی بود که به حمله اسرائیل علیه تأسیسات هسته ای عراق واکنش نشان داده و آن را محکوم کرد. ابتدا شورای حکام و سپس کنفرانس عمومی آژانس، موضوع را در دستور کار خود قرار داده و تصمیماتی را در جهت محکومیت حملات اسرائیل اتخاذ نمودند.

۱) شورای حکام

اندکی پس از حادثه، شورای حکام آژانس، شکایت عراق از اسرائیل را در دستور کار خود قرار داده و قطعنامه ای را به تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۸۱ مبنی بر محکومیت اسرائیل تصویب کرد؛ شورا در این قطعنامه با یادآوری بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد مبنی بر تعهد دولت ها به عدم کاربرد زور علیه یکدیگر و شناسایی حق غیرقابل سلب تمامی دولت های عضو آژانس به استفاده از انرژی هسته ای برای اهداف صلح آمیز و تأیید^(۹) واقعه حمله اسرائیل به تأسیسات هسته ای عراق در ۷ ژوئن ۱۹۸۱، قویاً اسرائیل را به جهت حملات پیش دستانه و غیرقابل توجیه علیه مرکز تحقیقات هسته ای عراق محکوم کرده و به کنفرانس عمومی توصیه نمود که تمام جوانب حملات از جمله موضوع تعلیق عضویت اسرائیل در آژانس را مورد بررسی قرار دهد. همین طور، شورا پس از یادآوری قطعنامه ۳۵/۱۵۷ مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر امتناع تمامی دولت ها از انتقال مواد شکاف پذیر و فناوری هسته ای به اسرائیل، به کنفرانس عمومی توصیه کرد که ارائه هرگونه کمک به اسرائیل در قالب پروژه های آژانس را به حالت تعلیق درآورد. در خاتمه شورا پس از تأیید مجدد این واقعیت که نظام پادمان های

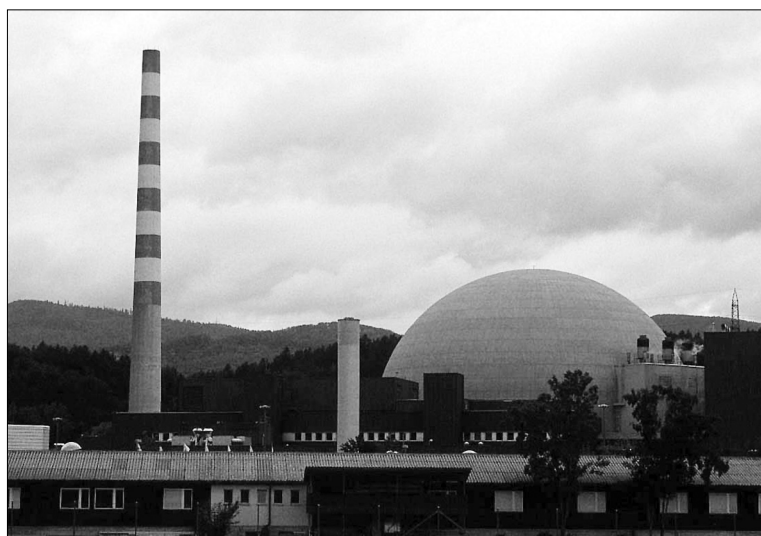
امنیت بین المللی دانست. اطلاق چنین وصفی به حمله رژیم اسرائیل علیه تأسیسات هسته ای عراق از سوی مجمع عمومی مهمترین سازمان بین المللی بر میزان اهمیت موضوع و میزان واکنش مجمع به آن حمله دلالت دارد. اطلاق تجاوز به عمل اسرائیل را باید به معنی ارتکاب مهمترین تخلف بین المللی از سوی آن رژیم تلقی کرد که به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد می توانست تبعات و تنبیهات خاصی را در پی داشته باشد. مجمع پس از یادآوری اینکه عراق عضو معاهده منع گسترش هسته ای و رژیم اسرائیل عضو آن نیست عمل تجاوزکارانه اسرائیل که نقض آشکار مقررات منشور ملل

متحد محسوب می شد و همین طور تهدیدات آن به حملات بعدی علیه تأسیسات هسته ای عراق در آینده را محکوم کرده و از تمامی دولت ها خواست که از تدارک تسلیحات یا تجهیزاتی که به آن رژیم در ارتکاب اعمال تجاوزکارانه کمک کند امتناع نمایند. همینطور، مجمع از شورای امنیت در

خواست کرد که اقدامات اجرایی موثری را به منظور پیشگیری اسرائیل از تهدید بیشتر صلح و امنیت بین المللی از طریق ارتکاب اعمال تجاوزکارانه اتخاذ نموده و فعالیت های هسته ای اسرائیل و همکاری دیگر دولت ها در آن فعالیت ها را بررسی نماید. مجمع در خاتمه از اسرائیل خواست که مسئولیت بین المللی اعمال تجاوزکارانه خود را پذیرفته و غرامت فوری و کافی برای جبران خسارات مادی و جانی ناشی از حمله به تأسیسات را پرداخت نماید.

به طوری که اشاره شد، مجمع عمومی موضوع حمله اسرائیل به تأسیسات هسته ای عراق را شش سال در دستور کار سالانه خود قرار داد و هر سال قطعنامه ای

مقایسه واکنش سازمان های
بین المللی در قضیه حمله
اسرائیل به مرکز تحقیقات
هسته ای عراق با حمله عراق به
نیروگاه بوشهر به نحو آشکار
برخورد دوگانه و تبعیض آمیز
آنها را نشان می دهد



آژانس موثرترین و مطمئن ترین ابزار راستی آزمایی کاربرد صلح آمیز تأسیسات هسته ای است، از دولت های عضو آژانس خواست که کمک های خود را به عراق برای مقابله با پیامدهای ناشی از حملات ارائه نمایند.

۲) کنفرانس عمومی

کنفرانس عمومی آژانس هم واکنش نسبتاً شدیدی علیه حمله اسرائیل به تأسیسات هسته ای عراق داشت.

خودداری شود. همینطور، کنفرانس در این قطعنامه از اسرائیل خواست تهدیدات خود را تکرار نکند و جامعه دولت ها در سریع ترین وقت ممکن مذاکرات جهت انعقاد معاهده بین المللی مبنی بر ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته ای را آغاز نمایند.^(۳۲) کنفرانس عمومی در آخرین قطعنامه خود راجع به حمله اسرائیل به تأسیسات هسته ای عراق با استناد به اظهارات مقامات اسرائیل مبنی بر عدم حمله مسلحانه به تأسیسات عراق و سایر کشورهای خاورمیانه در آینده، موضوع را از دستور کار خارج نمود.

به طوری که ملاحظه می شود تمام نهادهای سیاسی و تخصصی بین المللی نسبت به حملات اسرائیل واکنش نشان داده و قطعنامه هایی را (حدود ۱۵ قطعنامه) در محکومیت آن رژیم و الزام آن به عدم انجام حملات مسلحانه مشابه و جبران خسارات وارده به دولت عراق تصویب کردند. در این قضیه، صدور قطعنامه از جانب شورای امنیت سازمان ملل - به دلیل نفوذ دائمی محافل صهیونیستی در نهادهای بین المللی - از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این در حالیست که در قضیه حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر - که اندکی پس از حملات اسرائیل به تأسیسات هسته ای عراق اتفاق افتاد - همین سازمان ها و نهادهای بین المللی ذی ربط، با ترفندهای

کنفرانس، موضوع را از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵^(۳۳) در دستور کار خود قرار داد و قطعنامه هایی را در جهت محکومیت اسرائیل تصویب کرد. کنفرانس در اولین قطعنامه خود به تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۱ اقدام تجاوزکارانه اسرائیل علیه تأسیسات هسته ای تحت پادمان عراق را حمله علیه نظام پادمان های آژانس، که اساس معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای محسوب می شود، تلقی کرد و ارائه کمک های فنی به اسرائیل در قالب پروژه های همکاری فنی را به حالت تعلیق درآورد. کنفرانس اعلام کرد که در صورت عدم رعایت قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت از سوی اسرائیل، تعلیق عضویت آن رژیم را در دستور کار بیست و ششمین اجلاس سالانه خود قرار داده و مورد بررسی قرار خواهد داد.^(۳۴) همانند شورای حکام، کنفرانس در آخر قطعنامه ۱۹۸۱ خود، حق دولت ها در استفاده صلح آمیز از فناوری هسته ای را مورد تأیید مجدد قرار داده و یک بار دیگر بر کارایی پادمان های آژانس به عنوان موثرترین و مطمئن ترین ابزار راستی آزمایی تأسیسات هسته ای صحه گذاشت. کنفرانس در قطعنامه سال ۱۹۸۳ خود، تصویب کرد که قراردادهای تحقیقاتی آژانس با اسرائیل به حالت تعلیق درآید. خرید تجهیزات و مواد از اسرائیل متوقف و از برگزاری سمینار و نشست های علمی در آن کشور

موشکی عراق به نیروگاه اتمی بوشهر) به مدیر کل وقت آژانس بین المللی انرژی اتمی، هانس بلیکس تسلیم شد. در این نامه، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران با طرح زمان حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر و استناد به مقررات مربوط، خواستار اجلاسیه فوق العاده شورای حکام برای رسیدگی به موضوع شد:

«... متأسفانه یک بار دیگر ما مجبور شدیم فصل جدیدی از بی رحمی های عراق را گزارش دهیم. این بار ما موضوعی را گزارش می کنیم که به طور دقیقی در چارچوب و حوزه مسئولیت های شما [آژانس]، و نه سازمان بین المللی دیگری با صلاحیت تراز آژانس قرار می گیرد.

در ساعت ۲۴:۳۳:۰۳ مارس ۱۹۸۴، نیروگاه اتمی بوشهر واقع در ۱۵ کیلومتری جنوب شرق شهر بندری بوشهر توسط موشک های عراقی هدف حمله قرار گرفت. به لطف خداوند متعال، موشک به تأسیسات اصلی برخورد نکرده و صرفاً به محیط سایت لطمه و خسارت وارد آورد. با این وجود، بخشی از قطعات انفجاری به داخل سایت رخنه کرده و به یکی از کارگاه های آن آسیب زد. خوشبختانه ساختمان نیروگاه اتمی بوشهر دچار خسارت قابل ملاحظه ای نشد. تحقیقات بعدی نشان داد که سایت به وسیله موشک های آگزوست صادراتی فرانسه هدف حمله واقع شده اند.

بی تردید واقعه مذکور نشان می دهد که رژیم عراق در انجام اعمال غیرانسانی هیچ محدودیتی برای خود قائل نیست و به هیچ یک از قواعد و مقررات بین المللی پای بند نمی باشد.

اکنون، بر اساس قطعنامه ۴۰۷ کنفرانس عمومی آژانس راجع به حمایت از تأسیسات هسته ای صلح آمیز در برابر حملات مسلحانه که در بیست و هفتمین اجلاس سالانه کنفرانس عمومی قویاً توسط تمامی دولت های عضو حمایت شد؛ و با یادآوری اظهارات شما مبنی بر اینکه مسئله ممنوعیت حملات علیه تأسیسات هسته ای توجه کمیته خلع سلاح ژنو را به خود جلب کرده است؛ و با اشاره به پروتکل اول کنوانسیون های ژنو که حمله به نیروگاه های اتمی را

مختلف مانع از دادخواهی ایران در عرصه بین المللی شدند. هرچند که وضعیت نیروگاه اتمی بوشهر با وضعیت تأسیسات اتمی عراق تفاوت هایی داشت و قابلیت اعمال مقررات بین المللی در مورد آنها یکسان نبود. اما قطعاً این تنها عامل تفاوت برخورد سازمان ها و نهادهای بین المللی یاد شده با حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر نبود. مبحث بعدی تا حدودی جزئیات این برخورد متفاوت را روشن ساخته است.

مبحث سوم) برخورد سازمان های بین المللی ذی ربط با حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر

برخلاف قضیه حمله اسرائیل به تأسیسات هسته ای عراق که ارکان سیاسی سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی سریعاً واکنش نشان داده و قطعنامه هایی را در جهت محکوم نمودن اسرائیل تصویب کردند، در قضیه حملات عراق به نیروگاه بوشهر - که اندکی بعد از حمله اسرائیل به عراق اتفاق افتاد، نهادهای بین المللی فوق الذکر هیچ اقدامی جهت محکومیت عراق به عمل نیاوردند. به جهت شرایط حاکم بر سازمان ملل و سوابق قبلی آن در برخورد با مسئله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، موضوع در دستور کار آن قرار نگرفت. جمهوری اسلامی ایران موضوع را در چارچوب آژانس بین المللی انرژی اتمی پی گیری نمود که متأسفانه در نتیجه برخورد سرد و دوگانه نهادهای سیاسی آن، تلاش های بین المللی کشورمان برای احقاق حقوق خود و محکومیت عراق به نتیجه نرسید. برای روشن شدن جزئیات این موضوع در ادامه این مبحث تفصیل مکاتبات ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی در پی اولین حمله نظامی عراق به نیروگاه اتمی بوشهر آورده می شود. منبع این مکاتبات، اسناد رسمی منتشره خود آژانس می باشد.

۱) درخواست ایران برای تشکیل اجلاس فوق العاده شورای حکام

نامه ریاست وقت سازمان انرژی اتمی ایران به مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی
این نامه در ۹ آوریل ۱۹۸۴ (۱۷ روز پس از نخستین حمله

«طی نامه ای به تاریخ ۹ آوریل ۱۹۸۴، که در ۱۲ آوریل به دست من رسید، شما [رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران] به من اطلاع دادید که در ۲۴ مارس ۱۹۸۴ نیروگاه اتمی بوشهر هدف حمله یک موشک عراقی واقع شده و در نتیجه آن به یکی از کارگاه های سایت خسارت وارد آمده است. شما در نامه تان خواستار تشکیل اجلاس فوق العاده شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی در سریع ترین وقت ممکن شده و در مورد حملات قریب الوقوع دیگر ابراز نگرانی نموده اید.

محتوی نامه شما را بلافاصله به طور شفاهی به نماینده دائمی عراق در آژانس اعلام کرده و جوابیه او خواستم. بعداً نامه به صورت مکتوب نیز به اطلاع [نماینده عراق] رسانیده شد. طی جوابیه ای به تاریخ ۱۰ می ۱۹۸۴، سفیر عراق در وین اظهار داشت که شکایت [ایران] بی اساس است و هیچ کدام از مقامات ایران یا عراق انجام فعالیت نظامی در منطقه و تاریخ مورد نظر

را گزارش ندادند. نسخه ای از آن نامه پیوست است. اندکی بعد از دریافت نامه ۹ آوریل شما من این فرصت را پیدا کردم که در جریان شرکت در اجلاس کمیته اداری مربوط به هماهنگی ملل متحد در ۱۷ - ۱۶ آوریل، محتوی نامه شما را به اطلاع دبیرکل سازمان ملل برسانم.

در ۱۹ آوریل نماینده شما آقای سلطانی به من ملاقات و توضیحات کامل را در مورد بخش های مختلف نامه شما ارائه داد. در این روز من رئیس شورای حکام آژانس آقای Rosenzweig-Diaz و دبیر شورای حکام، آقای Sanmuganathan را ملاقات کردم. در ۲ می، آقای سلطانی برای بار دوم با من ملاقات کرد که در این

منع می کند؛ و یادآوری این که جمهوری اسلامی ایران عضو معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای بوده و بر آن اساس، پادمان های آژانس بین المللی انرژی اتمی را پذیرفته است؛ و با اشاره خاص به قطعنامه ۴۰۹ کنفرانس عمومی آژانس که به وسیله عراقی ها پیشنهاد و توسط هیأت نمایندگی مانیز حمایت شد؛ بدین وسیله درخواست تشکیل اجلاس فوق العاده شورای حکام در سریع ترین وقت ممکن به منظور بررسی اقدامات لازم در برابر نقض های فوق الذکر از سوی عراق می نمایم. این که موضوع سریعاً در دستور کار آژانس قرار گرفته و مورد بررسی آنها واقع شود تا تأسیسات هسته ای ما در مقابل حملات بعدی عراق مصون بماند، اهمیت زیادی دارد، زیرا ما قویاً بر این نظریم که حملات جدید [عراق] قریب الوقوع است.

ما معتقدیم که اگر تمام دولت های عضو به قطعنامه های آژانس و کنفرانس عمومی احترام نگذارند در آن صورت اعتبار آژانس شدیداً کاهش می یابد. همین طور، اگر کاربردهای صلح آمیز انرژی اتمی به وسیله چنین اقدامات بی مسئولانه ای تهدید شود، چگونه دولت های عضو می توانند به آژانس برای حفاظت و حراست تأسیسات هسته ای خودشان اتکاء نمایند؟

ما مایلیم توجه شما را به بند ۳ قطعنامه ۴۰۷ کنفرانس عمومی آژانس جلب نمایم که مدیر کل را متعهد به گزارش فعالیت ها و تلاش های خود به کنفرانس راجع به موضوع را نموده است و ما مطمئن هستیم که شما مسئولیت خود در این زمینه را انجام می دهید.»^(۳۳)

۲) مخالفت مدیر کل آژانس با درخواست ایران جوابیه مدیر کل آژانس به رئیس سازمان انرژی اتمی ایران

در ۱۱ می ۱۹۸۴ مدیر کل وقت آژانس (هانس بلیکس) طی جوابیه ای با درخواست ایران مبنی بر تشکیل اجلاس فوق العاده شورای حکام برای رسیدگی به موضوع حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر مخالفت کرد. متن کامل جوابیه مدیر کل آژانس به شرح ذیل بود:

موافقت نامه ۱۹۸۸ هند و
پاکستان تنها سند الزام آور
بین المللی دو جانبه در زمینه
ممنوعیت حملات نظامی و
مسلحانه علیه تأسیسات
هسته ای محسوب می شود

نشست فوق العاده شورا را فراخواند اما انتظار اعضای شورای حکام از او این است که چنین فراخوانی را صرفاً در وضعیت های خیلی اضطراری انجام دهد.

من خاطر نشان می کنم حدود هفت هفته از زمان حمله [عراق به نیروگاه بوشهر] سپری شده است و کمتر از ۴ هفته به برگزاری نشست عادی شورای حکام در ژوئن باقی نمانده است. بر اساس بند ج ماده ۱۵ آیین نامه داخلی، دولت شما می تواند

درخواست گنجاندن موضوع حمله [عراق به بوشهر] در دستور کار موقت شورای حکام را نماید.

من به این نتیجه رسیدم که در شرایط موجود مبنای و دلایل کافی در دسترس نیست که براساس آن مدیر کل، نشست فوق العاده شورای حکام را فراخواند. اضافه می کنم که رئیس شورای حکام بهمن اطلاع داده است که دبیرخانه شورا نیز نتوانسته است دلایل کافی برای برپایی نشست فوق العاده شورا را جمع به موضوع پیدا نماید.^(۲۴)

۳) انصراف ایران از پیگیری موضوع در نشست اضطراری و درخواست قید موضوع در دستور کار نشست عادی شورای حکام

رد درخواست ایران مبنی بر تشکیل نشست اضطراری شورای حکام جهت رسیدگی به موضوع حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر، مانع پیگیری موضوع از طریق اجلاس عادی شورای حکام نگردید. در ۲۷ می ۱۹۸۴ رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران طی تلکسی به مدیر کل آژانس ضمن انتقاد از امتناع شورای حکام از رسیدگی به موضوع در قالب نشست اضطراری، موافقت خود را با درج موضوع در دستور کار نشست عادی شورا اعلام نمود. متن تلکس به شرح ذیل بود:



زمان رئیس و دبیر شورای حکام نیز در جلسه حضور داشتند. پیرو این ملاقات، من با دفتر شورای حکام راجع به موضوع مشورت کردم.

حمله به یک تأسیسات هسته ای، موضوع بسیار خطیری است و ماده ۵۶ پروتکل اول ضمیمه کنوانسیون ژنو، که در نامه شما ذکر شده، مقرر کرده است:

چنانچه حمله به ساختمان ها یا تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک، یعنی سدها، آب بندها موجب ورود خسارات شدید به جمعیت غیرنظامی گردد، چنین حمله ای حتی اگر این اهداف اهداف نظامی بوده باشد، نباید صورت پذیرد...

بند ۱ قطعنامه ۴۰۷ کنفرانس عمومی مصوب اکتبر ۱۹۸۳ اشعار داشته است:

تمام حملات مسلحانه علیه تأسیسات هسته ای صلح آمیز صریحاً باید ممنوع گردد. برداشت من [مدیر کل] این است که نیروگاه هسته ای بوشهر تکمیل نشده و در آن مواد شکافت پذیری وجود ندارد که نشئت کرده و بتواند خطرناک باشد.

بند ۱۱ (ب) آیین نامه داخلی شورای حکام مقرر داشته است که شورا به درخواست رئیس یا هر یک از اعضای شورا یا مدیر کل آژانس، تشکیل جلسه خواهد داد. اگرچه این نکته روشن است که مدیر کل می تواند

در تاریخ ۳۰ می ۱۹۸۴، ایران مدارک توضیحی مورد نظر ماده ۱۷ آئین نامه داخلی را تهیه و طی تلکسی به مدیر کل آژانس به شرح ذیل ارسال نمود:

«... در ساعت ۲۴ ۳/۳۳، ۱۹۸۴، نیروگاه هسته ای بوشهر واقع در ۱۵ کیلومتری جنوب شرق شهر بندری بوشهر به وسیله موشک های عراقی هدف حمله واقع شد. بخشی از قطعات انفجاری [موشک ها] وارد سایت شد و به یکی از کارگاه های آن خسارت وارد آورد. بررسی های محلی بعدی نشان داد که سایت بوسیله موشک های اگزوست فرانسوی هدف حمله واقع شده است.

الف) با در نظر گرفتن اینکه براساس اساسنامه، آژانس مسئولیت توسعه صلح آمیز انرژی اتمی را بر عهده داشته و می تواند در آن ارتباط تصمیماتی اتخاذ نماید؛

ب) با لحاظ اینکه حمله به یک تأسیسات هسته ای صلح آمیز مسئله بسیار خطیری است و همانطور که مدیر کل در نامه ۱۱ می ۱۹۸۴ خود بیان داشته و به ماده ۵۶ پروتکل اول کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو اشاره نموده است که اشعار می دارد ساختمان ها یا تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک یعنی در سدها، آب بندها و نیروگاه های هسته ای، در صورتی که چنین حمله ای موجب رها شدن نیروهای خطرناک و در نتیجه خسارات شدید به جمعیت غیر نظامی گردد، حتی اگر اهداف نظامی نیز تلقی گردند، نباید هدف حمله واقع شوند؛ و

ج) با لحاظ روح قطعنامه ۴۰۷ کنفرانس عمومی آژانس به ویژه بند ۱ آن که اعلام می دارد تمامی حملات مسلحانه علیه تأسیسات هسته ای صلح آمیز باید صریحاً ممنوع گردد.

دولت جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که حملات مسلحانه به تأسیسات هسته ای تهدیدی جدی علیه نقش و فعالیت های آژانس بین المللی انرژی اتمی در توسعه و ترویج انرژی هسته ای برای اهداف صلح آمیز محسوب می شود.

در خاتمه دولت جمهوری اسلامی ایران مصرانه از دولت های عضو که قویاً قطعنامه ۴۰۷ کنفرانس عمومی آژانس را تأیید کرده اند می خواهد اقدامات

«از نامه شماره ۴۰۱۱ - IRA شما به تاریخ ۱۱ می ۱۹۸۴ تشکر می کنم. من مایلم مراتب قدردانی خودم از شما را به جهت اینکه بخش قابل ملاحظه ای از وقت با ارزش تان را به موضوع اختصاص دادید. اعلام نمایم هر چند که نتیجه واقعی، کمتر از آنچه که ما انتظار داشتیم شد.

البته ما به خوبی از قوانین و مواد مختلفی که اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته ای صلح آمیز را منع می کند آگاهیم. اما بدیهی است که در عمل منع متجاوزین از توسل به چنین اقدامی کمتر اتفاق می افتد.

شما به نکته ای اشاره کردید که در زمان حمله مواد هسته ای در نیروگاه بوشهر وجود نداشته است. ما نمی دانیم آیا عراق نیز قبل از حمله به نیروگاه از عدم وجود مواد هسته ای در آن مطمئن بود.

پاسخ عراق به شکایت ما به این موضوع اشاره دارد که اخبار حمله مذکور منتشر نشده است. ما از قاعده و مقرراتی که انتشار به موقع اخبار این حادثه از طریق رسانه های گروهی را پیش شرط راستی آزمایی چنین حادثه ای تعیین نماید اطلاعی نداریم.

من مایلم توجه شما را به واقعیتی که عکس های سایت و قطعات متلاشی شده موشک که شخصاً توسط نماینده دایم ما آقای سلطانی، تسلیم شما شد جلب نمایم. علاوه بر این، گزارشات نظامی حادثه نیز در دسترس می باشد و ما از بازرسی نیروگاه توسط سایت آژانس و در اختیار گذاشتن تمام مدارک در دسترس آن، ترجیحاً قبل از برگزاری اجلاس عادی شورای حکام، استقبال می کنیم.

از این رو، به نظر می آید که برای ما هیچ گزینه ای غیر از درخواست درج موضوع در دستور کار موقت اجلاس عادی آتی شورای حکام باقی نمانده است.»^(۲۵)

مدیر کل آژانس طی تلکسی به تاریخ ۲۸ می ۱۹۸۴ درخواست ایران به گنجاندن موضوع حمله عراق به نیروگاه اتمی بوشهر را تأیید و اظهار داشت:

«در این ارتباط مایلم به ماده ۱۷ آیین نامه داخلی شورای حکام اشاره نمایم که در آن بر لزوم ارائه اسناد و مدارک توضیحی از سوی دولت عضوی که پیشنهاد گنجاندن موضوعی در دستور کار را نموده، تصریح شده است.»^(۲۵)

ملاحظات پایانی

هرچند که خلاء های حقوقی معاهدات حاکم بر مخاصصات مسلحانه در به نتیجه نرسیدن تلاش های حقوقی و بین المللی کشورمان جهت محکوم سازی دولت عراق در حمله به نیروگاه اتمی بوشهر بی تأثیر نبوده است، اما این امر نمی تواند قصور و عدم جدیت سازمان های بین المللی ذی ربط، به ویژه آژانس بین المللی انرژی اتمی در واکنش مناسب به حملات عراق را توجیه نماید. مقایسه واکنش این سازمان ها در قضیه حمله اسرائیل به مرکز تحقیقات هسته ای عراق با حمله عراق به نیروگاه بوشهر به نحو آشکار برخورد دوگانه و تبعیض آمیز آنها را نشان می دهد. در قضیه حمله اسرائیل به تأسیسات هسته ای عراق، شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل به شدت حمله را محکوم کردند و بر جبران غرامت عراق تأکید نمودند. شورای حکام و کنفرانس عمومی آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز حملات اسرائیل را محکوم نموده و برای چندین سال ها موضوع را در دستور کار اجرایی های خود نگاه داشتند. اما در قضیه حمله عراق به نیروگاه بوشهر، شورای امنیت سازمان ملل چشم خود را به واقعیت بست.

کنفرانس عمومی آژانس اجازه طرح موضوع را در اجلاس سالانه خود نداد و شورای حکام ضمن اینکه از تشکیل اجلاس اضطراری امتناع ورزید، نهایتاً حتی طرح موضوع در اجلاس عادی خود را نیز تصویب نکرد. هرچند که برخورد تبعیض آمیز با مسایل و موضوعات کشورها مغایر روح و مقررات حقوق بین الملل است، اما برای جمهوری اسلامی ایران برخوردهای تبعیض آمیز این سازمان ها در طول جنگ و حتی پس از جنگ مقوله ناآشنایی محسوب نمی شده است.

شورای امنیت سازمان ملل تهاجم و تجاوز آشکار رژیم عراق به خاک ایران را صرفاً یک وضعیت تلقی کرد و حاضر نشد متجاوز بودن آن رژیم را احراز و تأیید نماید. اما در قضیه حمله عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰، همین شورا ظرف چند ساعت تشکیل جلسه داد و حمله عراق به کویت را تجاوز و نقض آشکار منشور سازمان

مقتضی فوری را به منظور حمایت از روح قطعنامه که در نتیجه حمله اخیر به طور جدی به آن خدشه وارد شده است، در مقابل تهدیدات بعدی به عمل آورند.^(۲۶)

۴) رسیدگی به موضوع در نشست عادی شورای حکام

به درخواست ایران، موضوع حمله عراق به نیروگاه هسته ای بوشهر در بند ۲۰ دستور کار موقت شورای حکام گنجانده شد و در نشست ۵ ژوئن ۱۹۸۴ آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اما نهایتاً مورد قبول اعضای شورا واقع نشد و از دستور کار آن حذف گردید. به هنگام بررسی و تصویب بند ۴۰ دستور کار موقت، نماینده عراق در آژانس اصل حمله را انکار کرد و اظهار داشت:

«ادعای ایران مبنی بر اینکه نیروگاه هسته ای بوشهر در ۲۴ مارس ۱۹۸۴ توسط یک موشک عراقی هدف حمله واقع شده، کاملاً بی اساس و جعل آشکار است. نه عراق و نه ایران انجام فعالیت نظامی در منطقه و تاریخ مورد نظر را گزارش ننموده اند. همین طور حادثه ادعایی توسط رسانه های گروهی ایران نیز گزارش نشده است.»

نماینده مصر در آژانس از اظهارات نماینده عراق حمایت کرده و خواستار حذف موضوع از دستور کار شورای حکام شد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان ناظر در این جلسه حاضر شد و با استناد به مقررات ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو و قطعنامه های آژانس، اقدام عراق را ناقض این مقررات قلمداد کرد. نماینده ایران عدم واکنش آژانس به حملات عراق به نیروگاه بوشهر را تضعیف کننده اعتبار آژانس و جرأت یافتن کشور حمله کننده به تکرار حملات خود ارزیابی نمود.^(۲۷)

دفاعیات ایران موثر واقع نشد و به طوری که بیان گردید، با تصویب شورای حکام موضوع از دستور کار آن خارج شد. اقدامات و تلاش های ایران برای قید کردن موضوع در دستور کار کنفرانس هم به نتیجه نرسید.

یادداشت‌ها

1. Baghdad Jets Launch Attach on Iranian Nuclear Power Plant, Guardian 18 November 1987.
2. Summary Records of Discussion in the Board of Governors on 5 June 1984 at its 619th Meeting INFCIRC/319 Attachment, 3 September 1984.
3. Agreement Between India and Pakistan on Prohibition of Attack Against Nuclear Installation and Facilities December 1988 Internet Recourse Pelindaba.
4. African Nuclear Weapon Free zone Treats, 1996, Art, 11.
5. Pelindaba Treats in [http:// en. Wikipedia. Org](http://en.Wikipedia.Org)
6. Principles and objective For Nuclear Non Proliferation and Disarmament, Adopted b, 1995 NPT Review Conference, Para 20.
7. UNSC / Res, 487. June 1981
8. UNGA/ Res, 3718, November 1982.
9. IAEA General Conference, Res/ 381, September 1981.
10. Definition of Aggression, United Nations General Assembly Resolution 3314, 14 December 1974, Art, 3(b)
11. Vanda, Lamm, Protection of Civilian Nuclear Installations in Time of Armed Conflicts, Nuclear Law Bulletin No. 74 OECD, 2004, pp. 1-2
12. Ibid, p. 3. Protocol Additional (to Geneva Conventions Relation to Protection of victims of international Armed Conflicts, 1977. Protocol Additional to the Geneva Conventions Relation to protection of Victims on non - International (Armed Conflicts, 1977)
۱۳. صالح رضایی، 'حقوق بین الملل و حمایت از تأسیسات هسته‌ای در برابر حملات مسلحانه'؛ سیاست دفاعی، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۷۷ صص ۵-۱۴۴.
14. Vanda, Lamm, opcit p. 5 Military Necessities.
15. Israelis Attack Iraqis Nuclear Reactor, Guardian, 9 June 1981.

ملل تلقی کرد و تحریم‌های شدیدی را علیه آن وضع کرد.

هرچند که تلاش‌ها و پیگیری‌های جمهوری اسلامی ایران در محافل بین‌المللی به احقاق حقوق آن منجر نگردید، با این وجود تا حدودی توانست در رفع برخی از خلاءهای حقوقی حاکم بر تعرض ناپذیری تأسیسات هسته‌ای موثر واقع شود.

در اوت ۱۹۸۵، جمهوری اسلامی ایران پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تحت عنوان 'حمایت از تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز در مقابل حملات مسلحانه' را به کنفرانس عمومی آژانس ارائه داد و کنفرانس نیز آن را تصویب کرد. به موجب این قطعنامه حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای در حال ساخت ممنوع و تهدیدی علیه نقش و فعالیت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در توسعه و ترویج بیشتر انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز تلقی شد. قطعنامه‌های قبلی کنفرانس عمومی، صرفاً حمله به تأسیسات هسته‌ای در حال کار را ممنوع می‌کرده است. اگر چه این قطعنامه حمله به تمام تأسیسات هسته‌ای فعال و در حال ساخت (اعم از نیروگاه‌های هسته‌ای و سایر تأسیسات هسته‌ای) را در تمام اوضاع احوال (جنگ یا صلح) منع نموده است، اما مفاد آن حقوق الزام‌آور به مفهوم واقعی تلقی نمی‌شود و لازم است معاهده بین‌المللی جهانی انعقاد یافته و تعرض ناپذیری تمام تأسیسات هسته‌ای فعال و در حال ساخت را در هر دو شرایط صلح و جنگ منع نماید.

رفع خلاءهای حقوقی ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای از طریق قواعد و مقررات بین‌المللی دقیق و مشخص تا حدودی می‌تواند برخوردهای سیاسی و دوگانه سازمان‌های بین‌المللی در قبال حمله به تأسیسات هسته‌ای کشورها را محدود نماید. تلاش‌هایی که جمهوری اسلامی ایران در این زمینه به عمل آورده است را نمی‌توان نادیده گرفت، ولیکن حساس بودن موقعیت جغرافیایی و چشم‌انداز فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان ایجاب می‌کند تلاش‌های بین‌المللی مضاعفی با هدف انعقاد و اجرایی نمودن معاهده مورد نظر انجام پذیرد.

16. Israeli Statement of 8 June 1981 on the Osirack Attack.
17. UNSC/ Resolution 487, 19 June 1981.
18. cf. www.Un.org - General Assembly Resolutions International Atomic Energy Agency (IAEA).
19. IAEA Board of Governors Resolution on militaries Attack on Iraqi Nuclear Research Center and its Implication for The Agency, 12 June 1987 GC (XXV) / 643 30 June 1987.
۲۰. برای ملاحظه متن این قطعنامه ها ن. ک. به:
www.iaea. Org General Conference Resolutions.
21. GC (XXV) / Res 381, 19 October 1981.
22. GC (XXVII)/ Res 409, 8 November 1983.
23. Correspondence Between The President of Atomic Energy organization of Iran and The Director General, IAEA INFCIRC/ 318 September 1984.
24. Text of letter of 11 may 1984 from the Director General To the president of The Atomic Energy organization of Iran in INFCIRC/ 318. September 1984.
25. Text of Telex of 27 may 1984 from the president of Atomic Energy organization of Iran to the Director General IFCIRC/ 318/September 1984.
26. Text of telex of 28 may 1984 from the Director General To the president AEOT in Inform / 318 September 1984.
27. Text of Telex of 30 May 1984 from the president of AEOT to the Director General in INFCIRC / 318 September 1984.
28. Summary Record of Discussion in Board of Governors on 5 June 1984 at its 619 the Meeting in INFCIRC / 319 September 1984.